

قسم اول

حمل موجبہ اولی ذاتی

جواب حضرت امام از مرحوم عراقی

مرحوم عراقی بین حمل اولی در «الانسان بشر» و «حیوان ناطق انسان» تفصیل داده است و دومی را علامت حقیقت نمی داند چرا که یکی مرکب است و یکی بسیط

اما این حرف باطل است چراکه:

مفهوم مفصل حکایت گر و مشیر به ماهیت بسیطه است

و شک ما در آن است که آیا لفظ برای مفهوم بسیط وضع شده است و یا برای مفهوم مرکب؟ ترکیب در حدّ (حیوان ناطق) است و نه در محدود (انسان).

و شک در انسان است و نه در حیوان ناطق

قسم اول

حمل موجب اولی ذاتی

اشکال چهارم : اشکال حضرت امام

تصدیق به صحت حمل متوقف است بر:

الف) تصور لفظ و معنای مشکوک فیه ب) سپس حمل لفظ بر معنی

وقتی این امر حاصل شد، علم تفصیلی به حقیقت بودن معنی برای لفظ حاصل می شود

علت پیدایش این علم تفصیلی تبادر است

پس تبادر، قبل از صحت حمل، حاصل می شود و نوبت به اینکه شک داشته باشیم و بخواهیم آن

را به وسیله صحت حمل برطرف کنیم، نمی رسد

حمل موجبہ اولی ذاتی

قسم اول

در قبال قضیہ لفظیہ، یک قضیہ ذهنیہ موجود است.

نکتہ ۱

یعنی اگر لفظ انسان را بر لفظ بشر حمل می کنیم، در قبال آن، معنای انسان را هم در ذهن بر معنای بشر حمل می کنیم

لفظ با معنای خودش متحد است ← چراکه فانی در معنا می باشد

نکتہ ۲

قبل از حمل باید موضوع و محمول را مورد لحاظ و علم تفصیلی قرار دهیم (التفات)

نکتہ ۳

حمل موجه اولی ذاتی

قسم اول

وقتی می توانیم دو معنی را بر هم حمل کنیم که :

نکته ۴

به علم تفصیلی بدانیم آن دو معنی با هم متحد هستند

و الا نمی توانیم قضیه لفظیه، و قضیه ذهنیه را تشکیل دهیم

امام می فرمایند: قبل از اینکه حمل صورت پذیرد، باید متکلم عالم باشد به :

نکته ۵

الف : اتحاد معنای انسان با لفظ انسان

ب : اتحاد معنای انسان با معنای بشر

وقتی قبل از حمل، می دانیم (به علم تفصیلی) که لفظ انسان دارای معنای بشر است، پس

نکته ۶

دیگر حمل و صحت آن، علامت حقیقت نیست

حمل موجب اولی ذاتی

قسم اول

اشکال سوم : اشکال حضرت امام

برای تصدیق یک جمله حملیه باید پیش از آن بدانیم که :
معنای ارتکازی لفظ با معنایی که احتمال می دهیم **معنای حقیقی** باشد، متحد است

پس وقتی از قبل می دانیم، دیگر شکی نداریم تا صحت حمل بخواهد آن را مرتفع کند.
 پس صحت حمل تأثیری در رفع شک ندارد ← یعنی علامیت ندارد

قسم اول

حمل موجبہ اولی ذاتی

کلام حضرت امام درباره «حجیت صحت حمل در نزد اهل محاوره»

حکم به صحت حمل نزد عرف زمانی علامت حقیقت است که بتوانیم بگوییم :

این حمل، حمل اولی ذاتی است

دو راه برای تشخیص حمل اولی ذاتی بودن این حمل:

۱. **خبر دادن عرف** ۲. **علم داشتن خودمان**

در صورت اول ← گویی عرف خبر داده اند که این لفظ این معنی را دارد

در صورت دوم ← ما خود از قبل علم داشته ایم

پس صحت حمل علامت حقیقت نیست

قسم اول

حمل موجب اولی ذاتی

کلام مرحوم اصفهانی درباره «حجیت صحت حمل در نزد اهل محاوره»

«عند العرف» باید «حمل و سلب» را علامت حقیقت و مجاز بدانیم

چراکه اگر ملاک «صحت حمل» باشد :

باید برای حکم به صحت یا از اهل لسان یا به وسیله تبادر، معنی لفظ را دریابیم

حمل موجبہ اولی ذاتی

قسم اول

ما می گوئیم :

تا وقتی که از هر راهی که ممکن است، علم به صحّت حمل (در حمل های عرف) پیدا نکنیم :

نمی توانیم بگوئیم این لفظ این معنی را دارد

اشکال امام خمینی به قوت خود باقی است

مبنی بر اینکه حمل عند العرف محتاج آن است که عرف خبر دهند که این حمل، حمل اولی است،

قسم اول

حمل موجه اولی ذاتی

جمع بندی

صحت حمل اولی موجه ← نمی تواند علامت حقیقت باشد
 عدم صحت حمل اولی موجه ← نمی تواند علامت مجاز باشد
چراکه: باید از قبل معنای حقیقی و مجازی را بدانیم

آنچه ما رد کرده ایم «علامیت صحت حمل» است
 و الا در این قضایا لفظ بر معنای حقیقی اش حمل می شود



حمل سالبه اولی ذاتی

قسم پنجم

ما می گوئیم :

دو اشکال پذیرفته شده امام خمینی، در این قسمت هم جاری می شود

لذا :

«عدم صحّت سلب در قضایای حملیه اولیه» ← علامت حقیقت نیست

«صحّت سلب در قضایای حملیه اولیه» ← علامت مجاز نیست



حمل موجه شایع صناعی

قسم دوم، سوم و چهارم

مرحوم آخوند (ره)

ملاک حمل اولی ← اتحاد مفهوم موضوع و مفهوم محمول است
و ملاک حمل شایع ← اتحاد مصداقی و وجودی است

این حمل ثابت می کند که : موضوع از مصداقی حقیقی محمول است
[یعنی زید مصداق حقیقی انسان، و مصداق حقیقی ایض و مالک و ضارب است]

حمل موجه شایع صنعتی

قسم دوم، سوم و چهارم

ما می گوئیم

از دیدگاه مرحوم آخوند :

صحت حمل شایع ← مبین معنای حقیقی نیست بلکه مبین «مصاداقت حقیقی» است

حمل شایع - طبق نظر آخوند - معلوم می کند که :

موضوع مصادق حقیقی محمول است ← اعم از مصادق حقیقی ذاتی و مصادق حقیقی عرضی